

بسم الله الرحمن الرحيم

دروس في علم الاصول

للشهيد الصدر

الحلقة الثالثة

درس 50

استاد: حجت الاسلام و المسلمين علم الهدى

آموزشيار: آقاى شم آبادى

مقدمه

در درس قبل، قول صحیح درباره موضوع و مجرای اصالة الظهور مشخص شد و گفتیم که موضوع، ظهور تصدیق ثانی همراه با عدم علم به قرین منفصله است. در این درس به دنبال پاسخ این سؤال هستیم که این موضوع، در چه حالتی از حالات، مخاطب در مواجهه با یک سخن و روایت محقق خواهد شد؟

در این درس، شهید صدر(ره) بیان خواهد کرد، هنگامی که شخص، روایتی را می شنود ، ممکن است برای او سه حالت کلی به وجود آید که در دو حالت، موضوع اصالة الظهور محقق است. اما حالت سوم، با توجه به منشأ شک در وجود قرین متصله، خود به سه صورت تقسیم می شود که در دو صورت آن، اصالة الظهور جاری خواهد شد و تنها در یک صورت، موضوع اصالة الظهور محقق نبوده، ظهور کلام حجت نخواهد بود؛ بنابراین کلام مجمل خواهد شد.

متن درس:

و هكذا يتعين الاحتمال الثالث، و عليه فان علم بعدم القرينة مطلقاً، أو بعدم القرينة المتصلة خاصة مع الشك في

المنفصلة رجعنا إلى أصالة الظهور ابتداء و ان شك في القرينة المتصلة، فهناك ثلاث صور:

الصورة الأولى: ان يكون الشك في وجودها لاحتمال غفلة السامع عنها. و في هذه الحالة تجرى أصالة عدم

الغفلة لأنها على خلاف العادة، و ظهور الحال و بها تنفى القرينة، و بالتالى ينقح الظهور الذى هو موضوع

الحجية. و نسمى أصالة عدم الغفلة في هذه الصورة بأصالة عدم القرينة لأنه بها تنتفى القرينة.

الصورة الثانية: ان يكون الشك في وجودها لاحتمال إسقاط الناقل لها. و في هذه الحالة يمكن نفيها بشهادة

الراوى المفهومة من كلامه، و لو ضمناً بأنه استوعب في نقله تمام ما له دخل في إفادة المرام، و بذلك يحرز

موضوع أصالة الظهور.

یادآوری:

در مباحث گذشته تبیین شد اصول عقلایی، دارای مناط‌هایی است، و عقلاً هیچ گاه بر موضوعی اصلی قرار نمی‌دهند مگر این که موضوع، کاشفیتی از واقع داشته باشد.

پس باید یک جنبه کاشفیتی باشد که بتوان اصل عدم قرینه منفصله را - که قول محقق نائینی (ره) (قول دوم) به آن نیاز داشت - بر اساس آن بنا کرد. این در حالی است که این اصل، هیچ ریشه و اساسی در بین عقلا ندارد؛ مگر گفته شود ظاهر حال متکلم، کاشف از این است که تمام مرادش را در قالب آن چه گفته است تبیین می‌کند. به تعبیر دیگر، ظاهری که از عبارت او بر اساس اصل کلام و قرائن متصله به دست آمده است، عین مراد اوست و متکلم، مراد خود را در فواصل آینده و در قالب قرینه منفصله بیان نخواهد کرد.

اگر وجه احتمال دوم این گونه تبیین شود، این اشکال پیش می‌آید که مناط حجیت ظهور نیز ظاهر حال متکلم است؛ چرا که موضوع حجیت ظهور، ظهور تصدیقی است، و همانطور که قبلاً بیان شد ظهور تصدیقی، از ظاهر حال متکلم به دست می‌آید؛ بر خلاف ظهور تصویری که از خود لفظ ایجاد می‌شود.

بنابراین وقتی مناط و معیار حجیت ظهور، با مناط اصل عدم قرینه منفصله یکی شد، نباید بین این دو اصل، تفکیک قائل شد. در حالی که طبق قول دوم، این دو از یکدیگر منفک هستند؛ ابتدا اصل عدم قرینه منفصله جاری می‌شود و بعد اصالة الظهور. پس نتیجه می‌گیریم قول دوم در موضوع حجیت ظهور صحیح نیست.

تحقق موضوع اصالة الظهور

بنا بر قول صحیح، در موضوع حجیت ظهور - که بیان می‌کرد موضوع، ظهور تصدیقی ثانی همراه با عدم علم به قریب منفصله است. - این سؤال مطرح می‌شود که این موضوع در چه مواردی محقق می‌شود؟

در پاسخ به این سؤال باید حالت‌های مختلف مخاطب، هنگام شنیدن یک سخن و روایت، مورد بررسی قرار گیرد.

حالت اول: یقین به عدم قرینه مطلقاً (متصله و منفصله)

حالت دوم: یقین به عدم قریب متصله و شک در وجود قریب منفصله

حالت سوم: شک در وجود قریب متصله

نکته:

علم به عدم قرینۀ متصله به این معناست که علم داشته باشیم که غیر از قرائن متصله‌ای که دریافته ایم ، قرینۀ متصلۀ دیگری وجود ندارد.

مثال: متکلم با دست به شخص شجاعی اشاره کرده و گفته است: «يجب من غير الزام أن تجيء بالاسد الذی یرمی» همان‌گونه که مشاهده می‌کنید در کلام سه قرینۀ متصله آمده است؛ دو قرینه مقالیه و یک قرینۀ حالیه. عبارت است از: 1. «من غير الزام» که نشان می‌دهد امر، استحبابی است نه وجوبی. 2. «الذی یرمی» که نشان می‌دهد مراد از اسد، شخص شجاع است نه حیوان مفترس. قرینۀ حالیه نیز همان اشاره با دست است. علاوه بر این قرائن ما باید یقین داشته باشیم قرینۀ متصلۀ دیگری وجود ندارد که ما به دست نیاورده باشیم.

بررسی حالت اول و دوم:

در این دو حالت، موضوع اصالة الظهور محقق بوده و ظهور کلام حجت می‌باشد.

Sco1: 9:30

بررسی حالت سوم:

اگر شک در قرینۀ متصله مستقر بوده و نفی نشود، نه تنها موضوع اصالة الظهور محقق نخواهد شد بلکه ظهور کلام نیز حجت نخواهد بود؛ زیرا موضوع حجیت، ظهور تصدیقی ثانی است و این ظهور، وقتی محقق می‌شود که ما به عدم قرینۀ متصله یقین داشته باشیم.

آیا با اصلی (مثل اصل عدم قرینۀ متصله) می‌توان احتمال وجود قرینۀ متصله را نفی کرد تا حجیت ظهور جاری شود؟

نفی قرینه متصله با اصل عقلایی

اگر در حالت سوم، شخص بخواهد با استفاده از اصل خاصی، احتمال وجود قرینۀ متصله را نفی کند تا موضوع اصالة الظهور محقق شود، باید منشأ شک در وجود قرینه متصله را مورد توجه قرار دهد؛ چون با توجه به منشأ شک برای این حالت، سه صورت تصور می‌شود:

صورت اول:

گاهی منشأ شک، احتمال غفلت راوی، هنگام شنیدن از امام معصوم (ع) می‌باشد. در این مورد، احتمال می‌دهیم که امام (علیه السلام) هنگام نقل روایت قرینه‌ای را بیان کرده ولی راوی به آن توجه نکرده است.

مثال:

امام (ع) هنگام سخن گفتن، با دست خود به جایی اشاره کرده و همین را برای بیان مراد خویش به عنوان قرینۀ متصله (قرینۀ حالیه) قرار داده است، ولی راوی به این مطلب توجه نکرده است.

بررسی صورت اول:

اگر منشأ شک، احتمال غفلت راوی باشد، با اصل عدم غفلت «غلبۀ الانتباه» این احتمال نفی می‌شود؛ چون ظهور حال متکلم این است که هنگام شنیدن روایت، غافل نبوده است.

تذکر: مرحوم شهید صدر(ره) فقط احتمال غفلت راوی و سامع را مطرح کرده است؛ چون فرض کرده متکلم، امام معصوم(علیه السلام) است که احتمال غفلت در مورد او معنی ندارد. در حالی که حق این بود چون سخن در بناء عقلاست بحث در مورد متکلم به نحو عام بیان می‌شد تا متکلم غیر معصوم نیز در نظر گرفته شده، احتمال غفلت در مورد او نیز مطرح می‌گردید.

Sco2: 13:20

صورت دوم:

گاهی منشأ شک در وجود قرینۀ متصله، احتمال اسقاط قرینه هنگام نقل روایت می‌باشد. در این مورد، راوی هنگام شنیدن از امام معصوم (ع) به همۀ قرائن توجه داشته ولی هنگام نقل روایت، قرینه را بیان نکرده است؛ حال یا فراموش کرده یا فکر کرده نقل آن مهم نیست یا نخواسته بگوید.

بررسی صورت دوم:

این احتمال، بر اساس یک شهادت ضمنی از سوی راوی نفی می‌شود. وقتی شخصی روایتی را نقل می‌کند، همراه این نقل، یک شهادت ضمنی و غیر صریح هم دارد به این مضمون که «من همۀ قرائن متصله‌ای را که در فهم روایت و تصویر درست مشهود به، دخالت دارد، برای شما بیان می‌کنم».

پس در صورت اول و دوم، احتمال وجود قرینۀ متصله نفی شده، و موضوع حجیت ظهور احراز می شود و لذا حکم که حجیت ظهور است مترتب می شود.

صورت سوم:

گاهی منشأ شک چیز دیگری است. مثلاً احتمال می دهیم قرینۀ متصله ای به نحو لبی و مرتکز ، در بین مردم آن زمان بوده که امام (علیه السلام) بر اساس همان قرینه سخن گفته، و چون این قرینه بین مردم آن زمان معلوم و واضح بوده، برای ما نقل نشده است.

بررسی صورت سوم

این گونه احتمالات، موجب اجمال کلام می شود.

Sco3:23:48

چکیده

1. قول صحیح در موضوع حجیت ظهور، ظهور تصدیقی ثانی همراه با عدم علم به قرینۀ منفصله است که در اینجا سه حالت تصور می‌شود:

حالت اول: یقین به عدم قرینه مطلقاً (متصله و منفصله)

حالت دوم: یقین به عدم قرینۀ متصله و شک در قرینۀ منفصله

حالت سوم: شک در وجود قرینۀ متصله

2. در حالت اول و دوم، اصل حجیت ظهور، مستقیماً جاری می‌شود.

3. در حالت سوم، نسبت به منشأ شک، سه احتمال وجود دارد:

الف) منشأ شک، احتمال غفلت راوی نسبت به بعضی از قرائن متصله، هنگام شنیدن روایت باشد. این احتمال با اصل عقلایی عدم غفلت، نفی می‌شود.

ب) منشأ شک، احتمال اسقاط قرینه، هنگام نقل روایت باشد. این احتمال بر اساس یک شهادت ضمنی از سوی راوی و متکلم، مبنی بر نقل کردن «همۀ قرائن متصله‌ای که در فهم روایت دخالت دارند»، نفی می‌شود.

ج) منشأ شک، چیز دیگری باشد. این احتمال، موجب اجمال کلام شده چرا که مانع جریان اصل حجیت ظهور می‌شود.